

## بیانات مقام معظم رهبری در مراسم اختتامیه پانزدهمین دوره مسابقات قرآن - 1 / آذر / 1377

بسم الله الرحمن الرحيم

خدا را شکرگزاریم که يك بار دیگر فضای کشور و فضای دلهای ما به عطر آیات مبارکات قرآن، معطر شد؛ اگرچه هیچ روز و شبی نیست که فرزندان مؤمن این آب و خاک، خود را و فضا را با قرآن معطر نکنند. عزیزان من! این تلاوت که ما این قدر بر آن اصرار داریم، قدم اول لازم است. قرآن، خودش را به زبانهای مختلف تعریف می کند؛ از جمله این که می فرماید: «ان هذا القرآن یهدی للتی هی اقوم» ( 121)؛ یعنی قرآن، انسان را به بهترین راه، بهترین کار، بهترین نظام، بهترین شیوه، بهترین اخلاق و بهترین روشهای عمل فرد و جامعه هدایت می کند. امروز همه ی بشر محتاج قرآنند؛ اما ما مسلمانان اگر به قرآن عمل نکنیم، خسارتمان، بیشتر از دیگران است؛ چون ما این نسخه و این دستورالعمل را داریم، تجربه ی تاریخی آن را هم داریم. بشریت در صدر اول به برکت عمل به قرآن، در علم، در اخلاق، در عمل و در پیشرفتهای گوناگون مادی و معنوی، اوج پیدا کرد. قرآن، همیشه زنده است. قرآن، نیازهای انسان را مورد توجه قرار می دهد. قرآن در هر عصری می تواند بهترین نسخه ی سعادت انسانها باشد.

امروز جوامع بشری در اقصی نقاط عالم، به خاطر دوری از معنویت، دوری از حقیقت انسانیت، دوری از اخلاق و دوری از خدا، وضعی پیدا کرده اند که این همه پیشرفت مادی هم نمی تواند آنها را خوشبخت کند. چرا؟ مگر امروز بشر از همیشه ثروتمندتر و عالمتر نیست؟ مگر امروز بشر، بیش از همیشه با ابزارهای آسان کننده ی زندگی مواجه نیست؟ پس چرا زندگی این قدر تلخ است؟! چرا این همه اختلاف در عالم هست؟ چرا این همه جنگ هست؟ چرا این همه نامردمی هست؟ چرا جوانان در ثروتمندترین کشورهای عالم، احساس خوشبختی نمی کنند؟ آیا بشر برای خوشبختی چه چیزی لازم دارد که در اختیارش نیست؟ جواب، يك کلمه است: بشر، پیام انبیا را کم دارد؛ بشر، نسخه ی آرامش بخش و آسایش بخش انبیا را در دست ندارد، یا به آن عمل نمی کند. بدبختیها این جاست. این قرآن، کاملترین نسخه ها را در اختیار دارد.

ما مردم ایران، به بخشی از این کتاب مقدس عمل کردیم. چه کسی می تواند بگوید ما مردم ایران به همه ی اسلام عمل کرده ایم؟ مگر می شود چنین ادعایی کرد؟! ما گوشه ای از اسلام را تمسک کردیم، چسبیدیم و عمل نمودیم؛ نتیجه این شد که خودمان را از ذلت متابعت استکبار، خلاص کردیم.

عزیزان من! امروز در دنیا در قضایای مهم جهانی، حرف، حرف قلدان آمریکا و امثال آنهاست! نگاه کنید ببینید دیگر! در باب خاورمیانه، در باب افغانستان، اروپا، آمریکای لاتین و آفریقا، در باب اقتصاد و دریاب نفت، حرف، حرف آنهاست. بسیاری از دولتها و ملتها از روی ناچاری، از این فرمان قلدانه تبعیت می کنند. ما ملت ایران در تمام قضایای خودمان، آنچه به قضایای داخلی مربوط است، آنچه به دولت مربوط است، آنچه به اقتصاد، به سیاست خارجی و به خاورمیانه مربوط است، و آنچه به گرفتن دوست و دشمن مربوط است - در تمام این قضایا - نظر و رأی مستکبرین فضول مداخله کننده را دانستیم و به آنها گفتیم «نه»!

عزیزان من! این به برکت همین يك قدم است که شما حرکت کردید. همین يك قدم که با قرآن راه افتادید، شما را عزیز کرده است، شما را زنده کرده است، به شما نشاط داده است و مسؤولین شما را از خودتان قرار داده است. رئیس جمهور در دنیا زیاد است - نگاه کنید ببینید - وزرا در دنیا زیادند؛ مثل مسؤولین و دولتمردان این کشور، مثل رئیس جمهور و وزرای این کشور، کجا پیدا می کنید؟! همه با مردم، برای مردم، در خدمت مردم، متواضع و بنده ی خدا هستند. اینها به برکت قرآن و اسلام است.

عزیزان من! يك قدم که در راه خدا برمی دارید، خدا کمک می کند، خدا هدایت می کند، خدا درها را باز می کند: «و من یتق الله یجعل له مخرجاً و یرزقه من حیث لا یحتسب و من یتوکل علی الله فهو حسبه ( 122)». در دعای سیدالساجدین علیه السلام می خوانیم: «و ان الرّاحل الیک قریب المسافة»؛ به طرف خدا که بروید، راه نزدیک است.

«و انك لا تحتجب عن خلقك ( 123)».

قدم اول برای عمل کامل به قرآن، آشنایی با متن قرآن است. در دوره‌ی رژیم طاغوت، مردم ما با قرآن آشنا نبودند. کسانی که می‌توانستند قرآن را از رو بخوانند - آن هم به صورت غلط - محدود بودند. جوانان و کسانی که در مدارس دوره‌ی پهلوی رشد پیدا کرده بودند، هیچ با قرآن آشنایی نداشتند. اگر يك وقت پدر و مادر مؤمنی داشتند، آنها را در گوشه‌ای دوره‌ی قرآنی می‌گذاشتند و خودشان یاد می‌گرفتند. مدارس ما در آن روز، حامل مسؤلیت تربیت قرآنی نبود؛ قرآن در فضای جامعه، غریب بود. در این شهر تهران بزرگ، دوره‌های قرآن که چند نفر دور هم می‌نشستند و استادی به آنها درس می‌داد - تجوید، یا قرائت - معدود بودند. در شهرهای دیگر هم همین‌طور بود. وقتی قرآن وارد جامعه می‌شود، حضور قرآن، حلاوت خود را به کامها می‌چشاند. امروز قرآن در کشور ما سیطره دارد. قدم اول، یاد گرفتن متن قرآن است و این باید روزبه‌روز زیاد شود. اگر بخواهیم همه قرآن را بیاموزند، عده‌ای باید در اوج قرار گیرند - مثل همه چیز دیگر - همین‌طور که اگر بخواهید ورزش، همگانی شود، بایستی عده‌ای قهرمان را جلو چشم مردم نگهدارید. اگر بخواهید قرآن در خانه‌ها، بین بچه‌ها، بین بزرگها، بین زنها و مردها رواج پیدا کند، بایستی قهرمانان قرآنی را احترام کنید. این است که ما به اینها احترام می‌کنیم. اینها حامل قرآنند، اینها عزیزند. زبان اینها عزیز است، لبها و دل‌های اینها عزیز است؛ چون با قرآن مأنوس است. جان ما به قربان قرآن! اما این‌جا تمام نمی‌شود؛ حفظ قرآن، فهمیدن مفاهیم و ترجمه‌ی کلمه کلمه‌ی قرآن، برای کسانی که به زبان عربی آشنایی ندارند، لازم است. وقتی که کلمات قرآن را فهمیدید، آن وقت تدبّر لازم است. حتی آن کسی که الفاظ عربی را هم خوب بلد است، اگر تدبّر نکند، بهره‌ی کمی از قرآن خواهد برد. در قرآن، تدبّر لازم است - تدبّر یعنی اندیشیدن در مفاهیم قرآنی - این سخن عمیقی است، این سخن بزرگی است؛ باید در آن تدبّر کرد. گوینده‌ی آن، ذات اقدس الهی است. کلمات آن هم مال ذات اقدس الهی است - یعنی الفاظش، نه فقط مفاهیمش - لذا بایستی در آن دقت کرد، باید آن را فهمید، باید در آن غور کرد. اینها حاصل نمی‌شود، مگر با انس با متن قرآن.

بچه‌هایتان را قرآنی کنید؛ همچنان که هستند. شما جوانان عزیز که دل‌های پاک و نورانیتان با قرآن آشناست، این را قدر بدانید. آن کسانی که این توفیق را پیدا کرده‌اند قرآن را حفظ کنند، آن محفوظ خودشان را قدر بدانند؛ خیلی قیمت دارد، خیلی عزیز است. آن وقت با قدر دانستن، آن حرکت ادامه پیدا خواهد کرد و راه به سمت سرچشمه‌ی نور قرآن، دیگر تمام نخواهد شد. آن وقت امت اسلامی به برکت قرآن، خواهد توانست در جای خودش قرار گیرد. پروردگارا! به محمد و آل محمد تو را سوگند می‌دهیم که این روز را برای ملت ایران و برای همه‌ی امت اسلامی، نزدیک کن.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته

(121) اسراء: 9

(122) طلاق: 2 و 3

(123) الاقبال، ج 1، ص 158